

Nikholas C. Burbules

نیکلاس بوربولس استاد ممتاز دانشگاه ایلینوی، اربانا شمپین است که به قلم خود، به توصیفی از آثار و فعالیت‌هایش می‌پردازد. فرصت بازبینی مضامین اصلی آثارم در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت موجب مباهات است. من این توضیحات را در سه بخش سازماندهی کرده‌ام.

ارتباطات آموزشی^۱: از زمانی که حرفه ام را آغاز کردم به ارتباطات، به مثابه مظهر انواع مختلف تدریس، علاقمند بوده‌ام. در بسیاری از آثارم مفهوم گفتگو را به مثابه یکی از انواع ارتباطات آموزشی به تصویر کشیده‌ام. گفتگو، با نظر به اندیشه‌های افلاطون^۲، پائولو فریره^۳ و دیگران، در شیوه فکر ما درباره جستار فلسفی، نقش محوری ایفا کرده است. در عین حال، گفتگو، الگوی مهم و اغلب آزمانی آموزش نیز محسوب می‌شود. روش سقراطی، آموزش انتقادی فریره و نظریه‌های مشابه دیگر؛ نشان داده‌اند که گفتگو روش آرمانی تعاملات تربیتی است. من در آثارم موضعی متفاوت و انتقادی‌تر به گفتگو اتخاذ کرده‌ام. من بر این باورم که در عمل، گفتگو اشکال مختلفی نظیر: مذاکره^۴، تعلیم^۵، پرسشگری^۶، بحث و مناظره^۷ دارد (ممکن است انواع دیگری هم وجود داشته باشد)^۸. با این صور متفاوت، گفتگو دربردارند انواع مختلف الگوهای ارتباطی است و ممکن است نتایج متنوعی را به ارمغان بیاورد: توافق یا اجماع فقط یکی از نتایج ممکن و نه یگانه مطلوب آن است. بنابراین، ایمان بیش از اندازه به گفتگو

1. Pedagogical communication
2. Plato
3. Paulo Freire
4. conversation
5. instruction
6. inquiry
7. debate
8. Nicholas C. Burbules, Dialogue in Teaching: Theory and Practice (New York: Teachers College Press, 1993).

به‌عنوان راه‌حل مسائل تربیتی (یا اجتماعی)، ناصواب است^۹. معذالک، بهتر است در اغلب موقعیت‌های تربیتی و نظیر آن، بر گفتگو پافشاری کنیم، حتی اگر دشوار باشد^{۱۰}.

فناوری‌های جدید در آموزش و پرورش: من منتقد موجیت فناوری هستم. فناوری‌های جدید مسائل را بطور کامل حل نمی‌کنند. استفاده از آنها می‌تواند چندانگانه، و گاهی با نظر به مقصود اصلی از کاربردشان، پیش‌بینی‌ناپذیر باشد؛ فناوری‌های جدید بدون تردید پیامدهای ناخواسته ای دارند که می‌توانند به نوبه خود مسائل جدیدی را به‌وجود آورند. کاربرد و اثرات فناوری‌ها ناشی از تعامل با کاربران است. من بر این باورم، این ویژگی ارتباطی بطور کلی، و به‌ویژه در آموزش و پرورش حقیقی است. اگرچه، فناوری جدید دیجیتال، با نوید شکوفایی صور جدید ارتباطات، پرسشگری، و تشریک‌مساعی در آموزش و پرورش آمده است، اما شکاف دیجیتالی^{۱۱} جدیدی را به‌وجود آورده‌اند و در مواردی نوآوری واقعی را سرکوب و تضعیف می‌کنند. دو طرف معادله درست است؛ از این رو نوشته‌های من درباره این موضوع اغلب دارای عناوینی دو پهلو^{۱۲} نظیر *وعده‌ها و خطرات*^{۱۳} است^{۱۴}.

من به‌شدت از مدل SAMR^{۱۵} روبن پوئنتدورا^{۱۶} متأثر شده‌ام: روند اصلاحاتی که با معرفی فناوری جدید همراه

9. Nicholas C. Burbules, "The limits of dialogue as a critical pedagogy." Revolutionary Pedagogies: Cultural Politics, Education, and the Discourse of Theory, Peter Trifonas, ed. (New York: Routledge, 2000), pp. 251-273.
10. Nicholas C. Burbules and Suzanne Rice, "Dialogue across differences: Continuing the conversation." Harvard Educational Review, Vol. 61 No. 4 (1991): 393-416.
11. digital divide
12. شکاف دیجیتال ناظر به نابرابری فرصت‌ها برای دسترسی اعضای جامعه به فناوری دیجیتال بر پایه امکانات، سواد و مهارت، درآمد، جنسیت، طبقه اجتماعی و ... آنهاست (م).

13. ambivalent
14. promises and risks
15. Nicholas C. Burbules and Thomas A. Callister, Jr., Watch IT: The Promises and Risks of Information Technologies for Education (Boulder, Colorado: Westview Press, 2000).
16. Substitution, Augmentation, Modification, and Redefinition (SAMR)
17. Ruben Puentedura

است (جایگزینی^۱، اضافه^۲، تغییر^۳ و بازتعریف^۴). در اغلب اغلب موارد، فناوری های جدیدی که ظرفیت تحول آفرینی دارند، روش هایی را اتخاذ می کنند که بیشتر با فعالیت ها و سیاست های معمول تناسب دارند تا فعالیت ها و سیاست های جدیدی که بر اساس این ظرفیت جدید اصلاح شده اند. من در جاهای مختلف استدلال کرده ام که، فناوری فی نفسه مانع واقعی انقلاب بالقوه در آموزش و پرورش نیست، بلکه [مانع واقعی] عدم تمایل ما به بازاندیشی دقیق روش های معمول انجام امور است. یکی از ایده های اصلی که به اعتقاد من می تواند موجب دگرگونی در آموزش و پرورش شود، ظرفیت فناوری های جدید برای تسهیل آن چیزی که من «یادگیری همه جا حاضر یا فراگیر»^۶ (امکان استفاده از دستگاه های سیار سیار برای پشتیبانی از یادگیری در هر زمان و مکان) می خوانم.^۷

بازاندیشی در فلسفه تعلیم و تربیت: رشته فلسفه تعلیم و تربیت به سرعت در حال تغییر است؛ امروزه این رشته متنوع تر، بین رشته ای تر و نزدیک تر به مسائل عرصه سیاست و عمل شده است. این ایده که رشته فلسفه تعلیم و تربیت دقیقاً ناظر به کاربرد نظریه های فلسفی در مسائل تربیتی است، از مرکز توجه خارج شده است و دیگر اهمیتی ندارد. شیوهی من برای طرح این ایده آن است که فلسفه تعلیم و تربیت باید بیشتر ناظر به موقعیت معین باشد.^۸ یکی از

بخش های کلیدی آثار من، تقریباً در تمام طول حرفه ام، اجتناب از این ایده است که فلسفه می تواند هدف ها یا روش های تربیتی را انشاء و القاء کند و سپس کاروزان باید بدان تن دهند و آنها را اعمال کنند. در عوض، من اغلب درباره عناوینی نظیر تراژدی، سرگشتگی^۹ و تردید نوشته ام: فلسفه، کوششی برای طرح پرسش های مداوم – و پرسش از خود – است که هرگز نمی تواند به تجویزهای رضایت بخشی دست یابد.^{۱۰} در این تلقی، من از بینش و سبک فلسفی لودویگ ویتگنشتاین^{۱۱} متأثر شدم.^{۱۲} اگر به پژوهشگر دیگری استناد کنم، این وجه از کارم بهتر دریافت خواهد شد. مطلبی که توسط اندریا انگلیش^{۱۳} نوشته شد:

نیکلاس بوربولس راه دیگری را برای فهم رویارویی های غریب و غیر منتظره ارائه می کند. او از واژه سرگشتگی برای توصیف تجربه ای استفاده می کند که در بسیاری سطوح بطور مستقیم بر ما اثر می گذارد: احساس ناراحتی می کنیم، در خود تردید می کنیم... سرگشتگی ناظر به بحران انتخاب کنش و هویت و نه فقط باورهاست. زمانی که انتخاب های بسیار داریم، یا انتخابی نداریم، سرگردانیم، نمی دانیم چگونه باید کارمان را ادامه دهیم. همانطور که بوربولس خاطر نشان می کند، «در این لحظات در تجربه مان، گم شده ایم»، و این احساس گم شدگی به تردیدی منجر می شود که با تردید برآمده از مرحله گذار بین یک پاسخ نادرست و یک پاسخ درست از پیش تعیین شده، تفاوت دارد. این گونه تردید

9 . aporia

10 Nicholas C. Burbules, "The tragic sense of education." Teachers College Record, Vol. 91 No. 4 (1990): 469-479; Nicholas C. Burbules, "Aporias, webs, and passages: Doubt as an opportunity to learn." Curriculum Inquiry, Vol. 30 No. 2 (2000): 171-187; Nicholas C. Burbules, "Postmodern doubt and philosophy of education." Philosophy of Education 1995, Alven Neiman, ed. (Urbana, Ill.: Philosophy of Education Society, 1996), pp. 39-48; Nicholas C. Burbules, "2001: A philosophical odyssey." Philosophy of Education 2001, Suzanne Rice, ed. (Urbana, Ill.: Philosophy of Education Society, 2002), pp. 1-14.

11 . Ludwig Wittgenstein

12 Michael A Peters, Nicholas C. Burbules, and Paul Smeyers, Showing and Doing: Wittgenstein as a Pedagogical Philosopher (Boulder, Colorado: Paradigm Publishing, 2008).

13 . Andrea English

1 . substitution

2 . augmentation

3 . modification

4 . redefinition

5 <https://www.schoology.com/blog/samr-model-practical-guide-edtech-edtech-integration>

6 . ubiquitous learning

7 Nicholas C. Burbules, "Meanings of ubiquitous learning." Ubiquitous Learning, Bill Cope and Mary Kalantzis, eds. (Urbana, IL: University of Illinois Press, 2009), pp. 15-20.

8 Nicholas C. Burbules and Kathleen Knight Abowitz, "A situated philosophy of education." Philosophy of Education Society Yearbook, 2008, Ron Glass, ed. (Urbana, Illinois: Philosophy of Education Society, 2009), pp. 268-276.

متفاوت، بخشی از تجربه‌ی «حرکت به سوی مقصدی ناشناخته» است. همانطور که او اشاره می‌کند، این احساس گم‌شدگی، گونه‌ی متفاوتی از رشد را ممکن می‌سازد، به جستار و اکتشاف جدیدی منجر می‌شود و «پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که به فهم نوینی منتهی می‌شوند». این تجربه گم‌گشتگی نقاطی در فضای میان یادگیری است. فضایی که یادگیری را به روش‌هایی ممکن می‌سازد که بدون این تجربه نمی‌توان، آن‌ها را تصور کرد¹.
این فرصت برای تشریح برخی عقاید با شما، موجب افتخار است.

کتابشناسی

Burbules, C. N. (personal communication, January 07, 2018)
Reflections on My Work: Nicholas C. Burbules

مترجم: بختیار شعبانی ورکی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

1 Andrea English, *Discontinuity in Learning: Dewey, Herbart, and Education as Transformation* (New York: Cambridge University Press 2013), p. 121.